

هوش معنوی، تعهد زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج در زوجها

هدی زاهد پاکدل*

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد تربت جام

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی و تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج در زوجین انجام شد. به این منظور تعداد ۹۰ نفر شامل ۷۲ زن و ۱۸ مرد متأهل با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند تا به پرسشنامه‌های هوش معنوی آرام و درایر، تعهد زناشویی آدامز و جونز، و پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج ادوارد پاسخ دهند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که با افزایش هوش معنوی، بی‌ثباتی ازدواج کاهش می‌یابد و با کاهش هوش معنوی، بی‌ثباتی ازدواج افزایش می‌یابد. همچنین بین تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی معناداری و بین هوش معنوی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود داشت. با افزایش مولفه‌های حل مسأله، خودآگاهی و معنا؛ هوش معنوی، بی‌ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) کاهش می‌یابد.

کلید واژه‌ها: هوش معنوی، تعهد زناشویی؛ بی‌ثباتی ازدواج

مقدمه

در جهان امروزی افراد با کوله باری از تعارضات و توقعات و نداشتن هدف و معنی از زندگی، وارد زندگی زناشویی می‌شوند و نسبت به ثبات زندگی زناشویی خود بسیار نامتعهد می‌شوند (گودارد، ۲۰۱۲). در واحدهای زناشویی قوی، عناصر زیر موجود است: صمیمیت، تعهد، ارتباط عاطفی، مهارت‌های حل تعارض و معنویت (الیس و هارپر، ۱۹۵۱). از طرفی سازمان بهداشت جهانی با اضافه کردن بعد معنوی به سه بعد زیستی، روانی، اجتماعی تاکید موثری را بر وجود معنا در زندگی انسان تبیین نمود (سهرابی، ۱۳۸۷). ایمونز (۱۹۹۹) سازه جدیدی را با عنوان هوش معنوی (Spirituality Intelligence) مطرح کرد (ایمونز، ۱۹۹۹؛ به نقل از رجایی، ۱۳۸۹).

هوش معنوی منحصرًا خاص انسان است و زیربنای موضوعاتی است که ما به آن ایمان داریم. هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی می‌باشد که کاربست آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق پذیری فرد شود (زوه‌ر و مارشال، ۲۰۰۰؛ به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷). از نظر امونس پنج جزء هوش معنوی وجود دارد که عبارتند از: الف) گنجایش برای تعالی ب) توانایی برای وارد شدن بدون حالات معنوی شدید هشجاری ج) توانایی برای سرمایه گذاری فعالیت‌ها و حوادث هر روزه و روابط با یک حس روحانی د) توانایی برای بکارگرفتن منابع معنوی و مسایل زندگی ه) ظرفیت برای بکار اندازی در رفتار با فضیلت برای نشان دادن عفو و بیان قدردانی و سپاسگذاری، فروتنی، دلسوزی یا رحم (امونس، ۲۰۰۰؛ به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷). بعلاوه، هر ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است.

تعهد زناشویی، قویترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است. تعهد زناشویی به معنای تمایل فرد جهت حفظ دائمی ازدواج و فادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها است که شامل اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی می‌باشد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۰). کاپینوس و جونز (۲۰۰۳) سه نوع تعهد زناشویی را مشخص کردند: ۱- تعهد به همسر ۲- تعهد اخلاقی ۳- تعهد اجباری. پژوهش‌ها نشان داده اند اکثر افراد افراد شرکت کننده، علت اصلی طلاق خود را نبود تعهد در رابطه زناشویی خود میدانند. باورها و اعمال مذهبی به زوجین کمک می‌کند تا خدا را به عنوان شریک‌شان در ازدواج خویش شامل کنند و به ازدواج به عنوان یک نهاد مذهبی که دوام دارد، متعهد باشند (ولج و جانسون، ۲۰۰۳؛ پلامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸). متغیر تعهد زناشویی در ایران از متغیرهایی است که با وجود اهمیت بسیار در پایداری زناشویی، مورد غفلت پژوهشگران قرار گرفته است.

آمار طلاق در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ما افزایش یافته است. نرخ طلاق به طور چشمگیری در دهه ۸۰ به اوج خود رسید و از آن زمان به بعد، کم و بیش ثابت مانده است، به نحوی که حدوداً نیمی از ازدوج‌ها به طلاق می‌انجامد (اشتنبگ، ۲۰۰۸). اهمیت و ضرورت موضوع معنویت به خصوص هوش معنوی، از جهات مختلف در عصر حاضر احساس می‌شود. بدیع و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای دریافته‌اند، که بین هوش معنوی در زمینه خود آگاهی و عشق و علاقه با رضایت زناشویی کارکنان مرد رابطه مثبت معنی داری مشاهده می‌شود. در پژوهشی دیگر غفوری و همکاران (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که موفقیت و شکست در رابطه زناشویی را می‌توان از طریق متغیرهای سبک دلبستگی و نگرش‌های مذهبی پیش‌بینی کرد. تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که شاخص سازگاری مذهبی و درک معنویات نقش مهمی در پیش‌بینی عملکرد زناشویی دارد و رضایت از ازدواج دارد (فلدر، ۲۰۰۵؛ کولین، ۲۰۱۱؛ گودارد و همکاران، ۲۰۱۲). با این وجود در زمینه هوش معنوی به عنوان یک سازه نوظهور تحقیقات زیادی در حیطه مسایل خانواده انجام نگرفته است.

با توجه به مطالب فوق مسأله پژوهش حاضر این بود که آیا بین مولفه‌های هوش معنوی و تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج و احتمال طلاق در زوجین رابطه معناداری وجود دارد؟

* e-mail: hodazahed_002@yahoo.com

روش

شرکت کنندگان

جامعه آماری این پژوهش متشکل بود از زوجین مراجعه‌کننده به ۷ مرکز مشاوره در سطح مشهد که در دسترس محقق بوده‌اند و برای مشکل خانوادگی مراجعه کرده بودند. نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. حجم نمونه تحقیق بر اساس نرم افزار Gpower ۹۰ نفر به‌دست آمد. اطلاعات جمعیت شناختی که توسط شرکت‌کنندگان پاسخ داده شد شامل جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، تعداد فرزند و مدت ازدواج بود.

ابزار

پرسشنامه هوش معنوی: یک ابزار خود گزارش‌دهی است که توسط آرام و درایر در سال ۲۰۰۷ معرفی شد. دارای ۶۸ سوال و هفت مولفه را می‌سنجد. اعتبار این آزمون از یک نمونه ۲۴۰ نفری به دست آمد که فرم کوتاه با تمام نمرات فرم بلند همبستگی ۰/۹۹ را نشان داد. همبستگی های فرم کوتاه و فرم بلند دامنه‌ای از ۰/۹۴ تا ۰/۹۸ را نشان می‌دهد. همچنین برای سنجش همسانی درونی مقیاس آلفای کرونباخ ۰/۹۷ محاسبه شد، که ضریب اعتبار نسبتاً بالایی بود. همبستگی درونی این مقیاس ۰/۹۷ و روایی همگرایی آن‌ها در مطالعات مقدماتی قابل قبول نشان داده شد.

پرسشنامه تعهد زناشویی: این پرسشنامه توسط آدامز و جونز طراحی شد و دارای ۴۴ سوال و سه خرده مقیاس (تعهد به همسر، تعهد به ازدواج و تعهد اجباری) است. آدامز و جونز در ۶ پژوهش گوناگون به منظور به‌دست آوردن اعتبار و روایی پرسشنامه، آن را در مورد ۳۴۷ مجرد و ۴۶ مطلقه اجرا کردند. میزان اعتبار هر یک از خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را به این شرح بدست آوردند: تعهد شخصی، ۰/۹۱، تعهد اخلاقی، ۰/۸۹ و تعهد ساختاری، ۰/۸۶. همچنین در مطالعه‌ای به وسیله عباسی، روایی محتوایی این پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج: یک ابزار ۱۴ سوالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن در سال ۱۹۸۰ توسط ادواردز، جانسون و بوث ساخته شد. شاخص بی‌ثباتی ازدواج با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. این شاخص از روایی پیش‌بین بسیار خوبی نیز برخوردار است. از گروه نمونه‌ای که در سال ۱۹۸۰ هیچ نشانه‌ای از بی‌ثباتی روانی نشان نداده بودند، فقط ۳ درصد در سال ۱۹۸۳ به ازدواج خود پایان دادند، در حالی که ازدواج اشخاصی که نمره آنها در نهایت مقابل آن بود، ۲۷ درصد یعنی نه برابر گروه اول از هم پاشید. تحقیقات بعدی نشان داد که این شاخص از روایی سازه‌ای خوبی برخوردار است.

شیوه‌ی اجرا

بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و در دسترس، محقق با مراجعه به مراکز مشاوره در سطح شهر مشهد، از مراجعین مشاوره خانوادگی که در یک سال گذشته تا زمان نمونه‌گیری به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، برای شرکت در این پژوهش دعوت به عمل آورد. در ابتدا هدف پژوهش به طور مختصر برای زوجین توضیح داده شد و این نکته اطلاعاتشان به طور محرمانه حفظ خواهد شد. شرکت‌کنندگان به صورت فردی به پرسشنامه‌ها پاسخ می‌دادند. ابتدا جهت نظم دادن به داده‌ها و کسب اطلاعات در مورد وضعیت متغیرها از تجزیه و تحلیل توصیفی استفاده شد و در مرحله بعد برای پاسخگویی به سوالات مطرح شده در خصوص موضوع، آزمون مناسب استنباطی، همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. در پژوهش حاضر جهت بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS-18 استفاده شده است.

نتایج

جهت بررسی فرضیه‌های اصلی و فرعی پژوهش از روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. همچنین آزمون دوربین/واتسون برای بررسی استقلال خطاها (باقیمانده) و آزمون هم خطی با دو شاخص ضریب تحمل (تولرنس) و عامل تورم واریانس انجام شد. مقادیر شاخص تولرنس کمتر از ۱ و مقادیر شاخص تورم واریانس کمتر از ۵ بود که حکایت از رعایت مفروضه عدم هم خطی بین متغیرها داشت. نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای پیش بین یعنی هوش معنوی و تعهد زناشویی به طور کلی قادر به پیش بینی و تبیین ۲۸ درصد معناداری از واریانس بی‌ثباتی ازدواج به عنوان یک متغیر ملاک بوده‌اند که این میزان قابل توجه و زیاد است. نتایج نشان داد که بین هوش معنوی و بی‌ثباتی ازدواج زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد ($F = -0.47$). بدین معنی که با افزایش هوش معنوی، بی‌ثباتی ازدواج کاهش می‌یابد و با کاهش هوش معنوی، بی‌ثباتی ازدواج افزایش می‌یابد. بین تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج زوجین رابطه منفی معناداری وجود دارد ($F = -0.50$). بدین معنی که با افزایش تعهد زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج کاهش می‌یابد و با کاهش تعهد زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج افزایش می‌یابد. بین هوش معنوی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری دارند ($F = 0.34$). بدین معنی که با افزایش هوش معنوی، تعهد زناشویی افزایش می‌یابد و با کاهش هوش معنوی، تعهد زناشویی کاهش می‌یابد.

بحث

به طور خلاصه نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین هوش معنوی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی معناداری وجود دارد. که با یافته‌های غفوری و همکاران (۱۳۸۸)، کولین (۲۰۱۱)، فلدر (۲۰۰۵) همسو می‌باشد و یافته‌های پژوهش بدیع و همکاران (۱۳۸۹) با یافته‌های پژوهش حاضر ناهمسو می‌باشد. می‌توان ادعا کرد که عنصر معنویت در زوجین و خانواده‌های آن‌ها باعث ثبات و تحکیم زندگی زناشویی‌شان می‌شود. زوجینی که دارای هوش معنوی بالا و از نظر اعتقادی هم سطح و هم کفو هم هستند در پذیرش سختی‌های زندگی مقاومت بیشتری می‌کنند. همچنین بین تعهد زناشویی با بی‌ثباتی ازدواج رابطه منفی معناداری وجود داشت که با یافته ولج و جانسون (۲۰۰۳) همسو می‌باشد. عنصر تعهد اخلاقی را که مرتبط با تعهدات مذهبی در زوجین است را در تأیید این فرضیه می‌توان در نظر گرفت در چنین شرایطی نظریه

اشتنبیرگ (۱۹۸۷) معنی پیدا می کند، که برای داشتن یک عشق پایدار سه عنصر صمیمیت، اشتیاق و تعهد در کنار هم معنی پیدا می کند (اشتنبیرگ، ۲۰۰۸). مولفه تعهد زناشویی یکی از عوامل اصلی پایداری به زندگی زوجین است و نبود آن در هریک از زوجین موجب بروز درگیری متعدد بین زوجین و ایجاد عدم اعتماد متقابل در آن ها می شود و در آخر به طلاق منجر می شود. در مطالعه حاضر هوش معنوی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معناداری دارند. یافته لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) با یافته های پژوهش حاضر همسو می باشد. تعهد می تواند مهمترین عامل در پیوند و استمرار رابطه زناشویی باشد، زوج هایی که از زندگی مشترک خود احساس رضایت دارند، نسبت به خودشان، همسرانشان و رابطه ای که دارند احساس تعهد می کنند (عاطف وحید و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به نتایج پژوهش و تحقیقات انجام شده در این زمینه می توان تبیین کرد، زمانی که هوش معنوی در زوجین بالا باشد آنها می توانند در برابر مشکلات زندگی از روش های حل مساله استفاده کنند و صبر و توکل پیشه کنند و خود را با همه مشکلات، مقید به زندگی که پیمان بسته اند می کنند. بدین ترتیب، هوش معنوی و تعهد زناشویی به عنوان سازه های بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود ثبات ازدواج و خانواده و منجر نشدن به طلاق، شناخته می شوند و به نظر می آید بتوان از طریق هوش معنوی و تعهد زناشویی در بهسازی و بهبود روابط بین فردی و زناشویی با هدف کمک به زوجین در معرض بی ثباتی زندگی و طلاق اقدامی موثر انجام داد.

منابع

- الیس، آلبرت و هارپر، رابرت (۱۹۵۱). *راهنمای ازدواج موفق*، ترجمه الهام شفیعی. تهران: نشر رسا.
- بدیع، علی؛ جلالی، معصومه و عبودی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش معنوی و رضایت زناشویی کارکنان ادارات شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه اهواز.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۹). هوش معنوی: دیدگاه ها و چالش ها. *پروژه نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، ۶(۱)، ۱-۲.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *فصلنامه سلامت روان*، ۱(۱)، ۱-۲.
- شریفی، مرضیه؛ کارسولی، سلیمان و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۰). اثربخشی بازآموزی اسنادی در کاهش فرسودگی زناشویی و احتمال وقوع طلاق. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۲، ۲۱۵-۲۲۵.
- عاطف وحید، محمدکاظم؛ لواسانی، فهیمه و محمدپور، احمدرضا (۱۳۸۸). *تحکیم پیوند زناشویی*. مشهد: نشر آهنگ قلم.
- غفوری ورنوسفادارانی، محمدرضا؛ گل پرور، محسن و مهدی زادگان، ایران (۱۳۸۸). سبک های دلبستگی و نگرش های مذهبی به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۷(۱۴)، ۱۴۳-۱۵۳.
- کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۲، ۲۵۶-۲۶۳.
- Colin, J. R. (2011). *Objective and perceived spiritual and religious compatibility as predictors of marital functioning*. Retrieved from <http://www.sciencedirect.com>
- Godard, J., Marshall, J., & Olson, S. (2012). Character strengths and religiosity as predictors of marital satisfaction in a sample of highly religious and divorceprone couples. *Journal of couple & relationship therapy*, 1(2), 23-42.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tools, Commitment and family life-cycle stage. *Journal of family issues*, 24(2), 155-784.
- Lambert, N. M., & Dollahite, David C. (2008). The three fold cord: Marital commitment in religious couples. *Journal of family*, 29, 592-614.
- Sternberg, R. J. et al (2008). *Applied intelligence*. Embridge: Cambridge university press.
- Welch, B. L., & Johnson, C. A. (2003). *marriage movement statewide baseline sarvey: Thechnical report and result*. Stillwater: Bureau for social research.